**(12) در وجوب اشتغال به کسب وکار**

**واجب بودن کسب وکار**

* قد وجب على كلّ واحد منكم الاشتغال بأمر من الأمور من الصّنآئع والاقتراف وأمثالها

(حضرت بهاءالله، کتاب اقدس، بند 33)

در اينظهور اعظم کلّ بکسب و اقتراف و صنايع متوکّلاً علی اللّه المهيمن القيّوم مأمورند و اينحکم در الواح مؤکّداً نازل (لوح امین، گنجینه حدود و احکام ص 73)

**مشغول شدن به کار بمثل عبادت حق محسوبی شود**

* وجعلنا اشتغالكم بها نفس العبادة لله الحقّ تفكّروا يا قوم في رحمة الله وألطافه ثمّ اشكروه في العشيّ والإشراق (حضرت بهاءالله، کتاب اقدس، بند 33)
* کلّ را بصنعت و اقتراف امر نموديم او را از عبادت محسوب داشتيم. در اوّل امر بايد ثوب امانت را از يَدِ عطا که مقام قبولست بپوشی چه که اوست اوّل باب برکت و نعمت

(حضرت بهاءالله، لوح ملا محمد بجستانی، گنجینه حدود و احکام ص 73)

* هر نفسی بصنعتی و يا بکسبی مشغول شود و عمل نمايد آن عمل نفس عبادت عند اللّه محسوب (حضرت بهاءالله، بشارات، دوازدهم)

**اوقات و ساعات عمر را مباید به بیکاری و لبنلی هدر داد**

* لا تضيّعوا أوقاتكم بالبطالة والكسالة (حضرت بهاءالله، کتاب اقدس، بند 33)
* اجتنبوا التکاهل والتکاسل (حضرت بهاءالله، لوح حکمت)

**هر فردی باید به آنچه که اسباب نفع خود و دیگر ان است مشغول شود**

* واشتغلوا بما ينتفع به أنفسكم وأنفس غيركم كذلك قضي الأمر في هذا اللّوح الّذي لاحت من أفقه شمس الحكمة والتّبيان (حضرت بهاءالله، کتاب اقدس، بند 33)
* تمسکوا بما ینتفع به العالم من الصغیر والکبیر والشیوخ والأرامل (حضرت بهاءالله، لوح حکمت)
* جمعی الآن در اين جهانند و بظاهر و باطن سرگشته و پريشان و مهمل و معطّل و بار گران بر ساير ناس. بصنعتی مشغول نشوند و بکار و کسبی مألوف نگردند و خود را از آزادگان شمرند .... اينگونه نفوس مهمله البتّه مقبول نه زيرا هر نفسی بايد کار و کسب و صنعتی پيش گيرد تا او بار ديگرانرا حمل نمايد نه اينکه خود حمل ثقيل شود و مانند علّت کابوس مستولی گردد

(حضرت عبدالبهاء، لوح فارس شیراز، گنجینه حدود و احکام ص 74)

**مبغوض ترین افراد کسی است که بیکار نبشید و از مردم مگالبه و گدائی کند**

* أبغض النّاس عند الله من يقعد ويطلب (حضرت بهاءالله، کتاب اقدس، بند 33)

همچنين جميع را امر فرموديم که بشغلی از اشغال مشغول باشند طوبی از برای نفوسيکه حمل نمود و حمل نشد بکسب و اقتراف توجّه نمايند فلسی از آن عند اللّه احبّ است از کنزيکه بغير حقّ جمع شود و آماده گردد (حضرت عبدالبهاء، گنجینه حدود و احکام ص 74)

**باید به کاری مشغول گشت که عام المنافع است و در عین حال توکل به خداوند مسبب اسباب نمود**

* تمسّكوا بحبل الأسباب متوكّلين على الله مسبّب الأسباب (حضرت بهاءالله، کتاب اقدس، بند 33)
* هو الأبهی ای بنده جمال قدم در جميع امور متوسّل بحيّ قيّوم شو و متوکّل بربّ ودود. قلب انسان تا اعتماد بر حضرت يزدان ننمايد راحت و آسايش نيابد. بلی سعی و کوشش جهد و ورزش لازم و واجب و فرض و قصور و فتور مذموم و مقدوح بلکه شب و روز آنی نبايد مهمل بود و دقيقه‌ای نبايد از دست داد چون کاينات سايره بايد ليلاً و نهاراً در کار مشغول شد و چون شمس و قمر و نجوم و عناصر و اعيان ممکنات در خدمات مداومت کرد. ولی بايد اعتماد بر تأييدات نمود و اتّکاء و اتّکال بر فيوضات کرد زيرا اگر فيض حقيقت نرسد و عون و عنايت شامل نگردد زحمت ثمر نبخشد کوشش فايده ندهد و همچنين تا باسباب تمسّک نشود و بوسايل تشّبث نگردد ثمری حاصل نشود اَبيَ اللّه ان يجری الأمور الّا باسبابها و جعلنا لکلّشیء سببا

(حضرت عبدالبهاء، گنجینه حدود و احکام ص 76)

**گدائی حرام است به شخص گداء کمل کردن جائز**

* لا يحل السّؤال ومن سئل حرّم عليه العطآء (حضرت بهاءالله، کتاب اقدس، بند 147)

**هر کسی که قادر به کسب وکاری نباشد – وکلاء بیت العدل و اغنیاء از برای مستمری تعین کنند**

* قد كتب على الكلّ أن يكسب والّذي عجز فللوكلآء والأغنيآء أن يعيّنوا له ما يكفيه اعملوا حدود الله وسننه ثمّ احفظوها كما تحفظون أعينكم (حضرت بهاءالله، کتاب اقدس، بند 147)
* امّا آيه مبارکه حُرّم عليکم السّؤال و من سئل حُرِّمَ عليه العطآء مقصود اين است که تکدّی حرام است و بر گدايان که تکدّی را صفت خويش نموده‌اند انفاق نيز حرام است. مقصود اين است که ريشه گدائی کنده شود. و امّا اگر نفسی عاجز باشد يا بفقر شديد افتد و چاره نتواند اغنياء يا وکلاء بايد چيزی مبلغی در هر ماهی از برای او معيّن کنند تا با او گذران کند. چون بيت عدل تشکيل شود دارِ عجَزَه تأسيس گردد لهذا کسی محتاج بسؤال نماند

(حضرت عبدالبهاء، گنجینه حدود و احکام ص 351)

* مقصود از وکلاء وکلاء بيت است که اعضای بيت عدل باشد

(حضرت عبدالبهاء، گنجینه حدود و احکام ص 352)

* ﴿ ای پسران تراب ﴾ اغنيا را از ناله سحرگاهی فقرا اخبار کنيد که مبادا از غفلت بهلاکت افتند و از سدره دولت بی نصيب مانند \* الکرم و الجود من خصالی فهنيئا لمن تزيّن بخصالی \*

(حضرت بهاءالله، کلمات مکنونه فارسی، 49)

* ﴿ ای اغنيای ارض ﴾ فقرا امانت منند در ميان شما \* پس امانت مرا درست حفظ نمائيد و براحت نفس خود تمام نپردازيد \* (حضرت بهاءالله، کلمات مکنونه فارسی، 54)
* بايد اوُلوُ الغنی بفقرا ناظر باشند چه که شأن صابرين از فقراء عند اللّه عظيم بوده وَعَمْری لا يُعادلهُ شأنٌ الّا ما شاء اللّه طوبی لفقيرٍ صَبَرَ و سَتَرَ و لِغَنیٍّ اَنْفَقَ و آثَرَ انشاءاللّه بايد فقراء همّت نمايند و بکسب مشغول شوند و اين امريست که بر هر نفسی در اين ظهور اعظم فرض شده و از اعمال حسنه عند اللّه محسوب و هر نفسی عامل شود البتّه اعانت غيبيّه شامل او خواهد شد انّه يُغنی من يشاءُ بفضله انّه علی کلّشیء قدير (حضرت عبدالبهاء، گنجینه حدود و احکام ص 353)

****